

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بُن - المان، فیروزی ۱۹۹۷ م

آسیاب زندگی

تا به خود آیم که بشمارم حساب زندگی
از عدم تا به عدم، این نیمه راه مرگ را
پای کوه خاموش هستی صدا کردم بلند
جلوه آب حیاتم داد، اما حیف، حیف
خوف جان کندن نمی ماند و گرنه سالهاست
اعتبار زندگی، نیم نفس هم بیش نیست
با طلوع کوکب ناساز طالع خوانده ام
یک نظر واکردنت آنجا زهم پاشیدن است
هر طرف رو میکنم درهای شفقت بسته اند
اختلاط ماعجب شیرین و شور افتاده است
لعل تو بوسیدن و پیمانه بشکستن خطاست
ساختی چون دانه گندم مرا خرد و خمیر

ترس مرگ آمد، برویم بست باب زندگی
یک قلم ارزش ندارد انتخاب زندگی
نیست غیر از نیستی، اینجا جواب زندگی
تشنه لب ماندم به امید سراب زندگی
داده ام با جمله خوبی ها جواب زندگی
دیده ام این نکته روشن در شتاب زندگی
خیره گردی های رنگ آفتاب زندگی
بی سبب منزل چه سازی در حباب زندگی
نیست امید گشود از هیچ باب زندگی
تو شراب ناب نوشی، من کباب زندگی
آن صواب زندگی، این ناصواب زندگی
ای فلک!، در زیر سنگ آسیاب زندگی

داستان من «اسیر» از بس حزين افتاده است

قصه می سازند ازان بهر کتاب زندگی